

آیا داستان زباله در ایران، شاخصی است بر ناکارآمدی ما؟!



سخن مدیر مسئول

زباله شهری، زباله روستاها، زباله سایر مناطق مسکونی و خدماتی، زباله ساخت و سازها، زباله کارخانجات، صنایع و معادن، زباله بیمارستان‌ها، زباله بخش کشاورزی، زباله کوهنوردی، گردشگران و رهگذران، ... زباله مجموعه‌ای از تولیدکنندگان زباله و رهاکنندگان آن در طبیعت ... این داستان زباله در ایران است. خروجی این مجموعه از تولیدکنندگان زباله، مناظر زشت و غیربهداشتی برای انسان و طبیعت است. جالب توجه است، در ایران همه نوع ساختار مدیریتی، قوانین و مقررات، آیین‌نامه و فرایند وجود دارد، اینها بخش گسترده‌ای از منابع کشور را به خود اختصاص داده‌اند، سازمان محیط‌زیست، شورای شهر و روستا، استانداران، فرمانداران، بخشداران، شهرداران و از همه بالاتر انواع رسانه‌های ملی، منطقه‌ای و محلی به زبان‌های مختلف و مراکز فرهنگی و آموزشی و تربیتی ... ولی دریغ از یک درصد تأثیرگذاری! آیا وجدان استاندار یک استان، هنگامی که زباله‌های رهاشده را در رویشگاه‌های بکر جنگلی و مرتعی می‌بیند، به درد نمی‌آید؟! آیا به رگ غیرتش بر نمی‌خورد؟! آیا شهرداری که نخاله‌های ساختمانی تخلیه و رهاشده را در حریم شهر می‌بیند، شکمی در نیمچه مدیریت خود نمی‌کند؟! آیا رئیس جهاد کشاورزی استان، شهرستان و دهستان، هنگامی که کیسه‌های پلاستیک رهاشده از مزارع کشاورزی را در جای‌جای طبیعت می‌بیند، به فکر فرو نمی‌رود؟! موضوع مدیریت زباله و پسماند، چه سهمی از مجموعه مصوبات سفرهای رؤسای جمهور و دولتمردان را به خود اختصاص داده است؟ همه ما حداقل چند سفر به خارج از ایران داشته‌ایم، آیا در جایی غیر از ایران، شاهد مناظر زشت از پخش تکه‌های پلاستیک در طبیعت بوده‌ایم؟ قبول کنیم در این ارتباط یا بی‌سوادیم، یا بی‌توجهیم، یا در مدیریت این پدیده زشت ناتوانیم که بی‌شک با مدیریت صحیح می‌شد حتی، سهمی اساسی در چرخه اقتصاد داشت.